

کودك کمرو

معلم و سؤال او نشده‌اند .

۲ - مادر دختر خرمالی اظهار میداشت که هر شب با کودکش کمک میکرد تا دروسش را حفظ کند حتی صبح زود نیز قبل از رفتن دختر ب مدرسه دوباره از او میخواست که درسش را جواب دهد و او نیز براحتهی تمام درس را برای مادرش بازگو میکرد . در حالیکه معلم این طفل همیشه از او شکایت میکرد و معتقد بود که هرگز دروسش را یاد نمیگیرد . مادر طفل حیران و متعجب بود و نمیدانست بین راه خانه تا مدرسه چه اتفاقی میافتد که دخترش همه چیز را فراموش میکند و اغلب نمراتش صفر میشود . میتوان حدس زد که تنها علت تنبلی او کمروئی بیش از حدش میباشد .

- دختر دیگری سردرس حساب اگر مسئله‌ای نمی‌فهمید هرگز سؤال نمی‌کرد و اینکار او سبب شده بود که روز بروز حسابش ضعیفتر شود . در خانه نیز لطفاً ورق بزنید

لباس خود را کتیف میکند و مادرش نیز بخاطر این امر در حضور مهمانان او را سرزنش میکند . اثر ناخوشایند این دعوا در طفل سبب میشود که دیگر علاقه‌ای بحضور در جوامع را نداشته باشد و در مقابل دعوت دوستانش همیشه عذر و بهانه‌ای می‌آورد .

کودك کمرو نحوه حرف زدنش با دیگران تفاوت بسیار دارد . او از شدت نازاحتی و ترس از اینکه اشتباهاً مقصود خود را تفهیم کند اغلب دچار لکنت زبان شده و نمیتواند آنطور که بایسد مطالب مورد نظرش را بیان کند . در حالیکه اگر کسی حضور نداشته باشد بهتر میتواند صحبت کند و مقاصد خود را بزبان بیاورد .

بعضی از معلمین با شاگردان کمروئی مواجه شده‌اند که موقعیکه از آنها سؤال شده از شدت نازاحتی گفته‌اند گوششان نمیشنود و مورد سؤال را نشنیده‌اند و دسته دیگر گفته‌اند که در همان لحظه پرده‌ای جلوی چشمانشان را گرفته است و متوجه

ورود بمرحله بلوغ

مسئله جوانان . زندگی و پرورش آنها از جمله مسائلی است که از چند سال اخیر مورد توجه فراوان قرار گرفته است . با پیشرفتهای کدر زمینه‌های مختلف علوم . اقتصاد . جامعه‌شناسی و سایر علوم انسانی شده است فکر افراد بیشتر متوجه این توده عظیم اجتماع گردیده است . اغلب اخبار روزنامه‌ها و مجلات راجع بجوانان است برای آنها مجلات مخصوص منتشر میشود و آهنگ‌هایی مطابق میل آنان ساخته میشود . گروه‌های روانشناسی يك سلسله از تحقیقات خود را بمسائل مربوط بجوانان اختصاص میدهند .

توجه فوق‌العاده مردم بمشکلات جوانان سبب شد که « مدرسه اولیاء و مربیان » در پاریس از گروهی جوانان روانشناس درخواست نماید تا تحقیقی درمورد مسائل جوانان . موضوعاتی که در عصر ما بیش از هر چیز حاضر اهمیت است بنماید .

رشد و نمو فکری جوان متأثر از چیست ؟
مسائل اجتماعی ؟ روانی ؟ یا اطرافیان و بزرگترها ؟

اگر در تمام متایسه جوان امروز بانجوان دیروز برآئیم متوجه تغییر و تحول زیادی میشویم مثلا اشتیاق جوانان به ادامه دوران بلوغ و جوانی یکی از عللی است که جوانان لطفاً ورق برنید

بخاطر این امر همواره مورد سرزنش پدر و مادرش قرار میگرفت . ضعیف شدن تدریجی حساب طفل و سرزنش پدر و مادر دست بدست هم داده طفل را از درس خواندن دلسرد و بیزار کرده بود بطوریکه کم‌کم تمام نمراتش رو به بدی میرفت . تمام این اشکالات فقط بخاطر این بود که او جرات نمیکرد سرکلاس سؤال کند و اشکالات خود را مطرح نماید . میبینیم که کمروئی این طفل چقدر برایش گران تمام میشود .

نتایج کمروئی

با توجه بمطالب فوق پی میبریم که کودك کمرو سعی میکند بهرنحوی امکان دارد از برخورد با دیگران بگریزد . زیرا برخورد و تماسهای اجتماعی برای او بسیار ناخوشایند و دردناک است . بنابراین او شکافی بین خود و دیگران بوجود میآورد . کمروئی او مانع از این میشود که با دیگران دست بدهد . آمد و رفت کند و در بحثهای آنها شرکت نماید . کودك کمرو از اینکه نمیتواند تفهیم کند در عذاب بوده و رنج میبرد . در نتیجه او درآینده فردی بسیار زودرنج و حساس میشود .

با وجود تمایل بسیاری که باشائنی با دیگران دارد متاسفانه نمیداند از چه راهی باید وارد شود . فقط در گوشه تنهایی در خیال . خود را شخص اول يك گروه بازی میداند و از این احساس لذت میبرد ولی بمجردی که میخواهد با رزوه‌های خود جامه عمل بپوشاند همه چیز بیکباره فرومیریزد .

بازیها و سرگرمیهای طفل کمرو

کودك کمرو همانطور که ذکر شد خود را از دیگران کنار میکند . بنابراین از بازیهای دسته جمعی گریزان است . در مسابقات شرکت نمیکند زیرا از شکست میترسد و از دیگران خجالت میکند همه این گوشه‌گیریها سبب میشود که او زندگی اجتماعی را فراموش کند . ممکن است کودکی گاه خواهان این باشد
بقیه در صفحه ۴۴

کودکان کمرو

بقیه از صفحه ۶

که تنها در اطایق بنشینند و فکر کند یا کاری را بنهائی انجام دهد. اینکار کاملاً طبیعی است و هر فردی در بعضی از موارد ترجیح میدهد که تنها باشد و لسی اگر این تمایل بنهائی همیشگی باشد غیر طبیعی است. اگر دختر بچه ده ساله‌ای جز رفتن بکلاس و کتاب خواندن کار دیگری نکنند و بصرف اینکه بزرگ شده از شرکت در بازیهای دسته جمعی خودداری نماید بدون شك طفلی کمرو است. بازیها و سرگرمیهای مورد علاقه اطفال کمرو میباشد که در تنهائی انجام شود. مثلاً میتوان خواندن کتابهای یرماجرا. جمع-آوری بعضی از اشیاء (تمبر. گل. کبریت و غیره) را نام برد.

دوستان کودک کمرو اغلب اسباب بازیهای او میباشد. او ترجیح میدهد عروسک یا خرس کوچک خود را نزد خود بنشاند و برایش درد دل کند. از نگاه عروسک که گویای آنتکه حرفهای او را میفهمد لذت میبرد زیرا او آرام به درد دلها و ناراحتیهای او گوش میدهد و سخن نمیگوید. بازیهای که در هوای آزاد انجام میشوند برای این افراد خیلی کم است. وقتی بچه هستند ترجیح میدهند که با آب یا با شن و ماسه بازی کنند. زیرا باین وسیله سروصدای دیگران را نمیشنوند. بازی رویائی آنها تاب بازی است زیرا آنها را از حقایق دور میکند و مدتی دور از هیاهو و تماس با دیگران سیر میکند. طفل کمرو کمی که بزرگتر شد ورزشهای چون شنا و دوچرخه سواری بیشتر از تیس و فوتبالیس نظرس را جلب میکند.

دلایل کمروئی

کمرو همیشه احساس حقارت میکند و از این احساس رنج میبرد. او به امکانات خود اعتمادی ندارد و فکر میکند برای زندگی کردن ساخته نشده است. رفتار ناشیانه او سبب میشود که در اکثر کارها

شکست بخورد و این شکست را بهانه میکند و دست با اقدام هیچ کاری نمیگذارد. بهرحال او سعی میکند از انجام هر کاری شانه خالی کند. او برای ارضای خودخواهی و حساسیتش سعی میکند با کسانی دوستی و معاشرت داشته باشد که بنحوی از او پائین تر هستند. باین طریق تا حدی خود را ارضاء میکند. اشتباه او در اینست که هیچوقت سعی نمیکند قوی تر و بهتر از آنچه که هست شود بلکه فقط این مسئله را در عالم رویا عملی میبینند و دلش نمیخواهد که هرگز از این رویا بیرون آید. ولی اینکار برای او مضر است زیرا در عالم خیال تصور میکند که پیشرفهای شایانی کرده است در حالیکه در عالم بیداری چنین نیست و این دو احساس ضد و نقیض بیشتر او را سرخورده و مایوس میکند.

بعضی اوقات احساس میکند که آلت دست دیگران قرار گرفته است و این احساس بیشتر او را به طرف تنهائی مطلق سوق میدهد. محبت بزرگترها او را خوشحال میکند و احساس میکند که پشت و پناهی دارد. دادن هدیه و اظهار محبت بطفل همواره او را خوشحال کرده برای مدت کمی ناراحتیهایش را از یادش میبرد. ولی متأسفانه طول این زمان بسیار کم و نایب است و دائم باید بعنوان مختلف تجدید شود. زیرا این ارضای آنی هرگز باو آن اعتماد بنفس واقعی را نمیدهد.

کودک با حساسیت بیش از حد خود همه چیز را درک میکند. برعکس تصور پدران و مادران که او را هنوز خیلی کوچکتر از آن میدانند که حرفهای آنها را درک کند و مطالبی را که نباید در حضور او گفته شود بصرف اینکه او چیزی سرش نمیشود در حضورش بیان میکنند غافل از اینکه طفل از صحبتهای آنها نتایج میگیرد و خیلی زود آنها را بکار میبرد. ۱ - کمروئی اولیاء - کمروئی کودک در

خانه‌ای که پدر و مادر نیز کمرو هستند تقویت میشود کمروئی ارثی نیست. کودک باید این مسئله را بداند در غیر اینصورت هیچگونه سعی و کوششی برای برطرف کردن کمروئی خود نمیکند زیرا میگوید چیزی که



قبول شود. تحمیل این امر بکودک سبب رنجش و ناراحتی او شده باعث میشود که او فردی کمرو شود. با مواجه شدن با این وضع کودک ترجیح میدهد حرفی نزده سکوت کند و همواره سعی نماید رضایت اولیاء خود را جلب کند.

یکی دیگر از کارهای اشتباه اولیاء که ناشی از خودخواهی آنها میباشد اینست که دائم از طفل میخواهند برای تفریح آنها بخواند یا داستان تعریف کند و آنها نیز او را تشویق کرده همواره تحسینش میکنند ولی اینکار بزودی طفل را از دنیا بیزار کرده از اجتماع جدا میسازد.

دختر خرد سالی آنقدر مورد تحسین و تشویق پدر و مادر خود قرار گرفته بود که فکر میکرد که همه افراد باید با او چنین رفتاری داشته باشند ولی وقتی بمدرسه رفت و متوجه شد که هیچکس با او چون پدر و مادرش رفتار نمیکند ناراحت شده، در زنگ تفریح بدون اینکه با کسی صحبت یا بازی کند به

ارزی باشد غیر قابل اصلاح است درحالیکه اگر احساس کند که کمروئی فقط یک عادت بد و ناراحت کننده است کمک بسیار موثری خواهد بود تا بتدریج باین عادت ناخوشایند غلبه کند. طبیعی است که اگر بزرگترها از حضور در اجتماعات. صحبت کردن و برخورد با دیگران بیم داشته باشند کودکان نیز بهمین منوال تربیت خواهند شد. ولی ناگفته نماند که گاه پدر و مادرهای کمرو اطفال خود را نصیحت میکنند که از پیروی از آنها خودداری نموده کارهایی را انجام دهند که آنها به سبب کمرویشان جرأت انجام آنها نداشته اند.

۲ - ترس از بیماری. تصادفات و بازیهای خطرناک کودک را از خیلی از کارها بازداشته او را از دیگران دور میسازد.

متأسفانه بعضی از مادران عادت کرده اند که همواره برای مواظبت از طفل و پیشگیری از حوادث غیرمنتظره مراقب کودک خود باشند و بمجردی که قدمی از آنها دور میشوند داد و فریاد بنا میکنند. دراینصورت اگر طفل کمی خودسر نباشد سعی میکند حرف مادر خود را گوش کرده از پهلوی او تکان نخورد یا لاقبل بازیهای را که مادر اجازه میدهد انجام دهد. متأسفانه این مادران متوجه نیستند که با اینکار از رشد اجتماعی طفل جلوگیری میکنند. کودک پس از مدتی از بازی کردن دور از مادر. تنها در اطاق ماندن یا خوابیدن میترسد و بهیچ وجه حاضر نیست از مادر خود دور شود. جالب اینجاست که با این وضع بعضی از مادران از اینکه کودک دقیقه ای آنها را رها نمیکند ناراحتند و گله میکنند. درحالیکه خود مسبب این مصیبت میباشند. اگر بآنها نصیحت شود که اینکار را نکنند و کمی کودک را بحال خود بگذارند تا احساس مسئولیت کند: میگویند. طفلک مگر میشود بچه را تنها گذاشت؟

۳ - خودخواهی و غرور

پدران و مادران خودخواه همیشه از کودک خود انتظار دارند که با نمرات درخشانی در کلاس